

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۹ فروردین ۹۰

خطبه‌ی ولادت حضرت زینب (س)

شکر و سپاس پروردگار کریم را سزاست که عظمتش بی‌مانند، شکوه و جلالش بی‌زوال، اقتدارش بی‌پایان، حکومتش بی‌انتهای، آفرینشش بی‌عیب، نعمتش بی‌شمار و کرامتش بی‌مثال است. پاک و منزّه است پروردگار عظیم و نیست معبودی غیر از او که اوست بخشنده‌ی گناهکاران، رهایی‌بخش گرفتاران، عذاب‌کننده‌ی کافران، عزت‌بخش مؤمنان، رسواکننده‌ی منافقان و نصرت‌دهنده‌ی صابران که در زمین و آسمان، همه تسبیح او گویند.

و سلام که سلام آغاز احساسی است که بر قالب جان‌ها مسلط می‌شود تا رحمتی را مژده دهد که در فطرت، آغاز حرکتی به‌سوی لطیف‌ترین احساس‌ها بوده و جان‌های منتظر را به حرکتی مژده داده که وصلی مبارک را به دنبال دارد، وصلی که همچون شب‌نم صبحگاهی بر جان‌های مرده، نوید روح است و بر دل‌های خاشع، نوید رحمتی بی‌منتها.

درود و صلوات بر افضل انبیاء، خاتم پیامبران، رحمة للعالمین، حضرت محمد (ص) و خاندان پاکش که همگی الگو و اسوه‌ی تقوا، ایمان و صبر هستند و شکر خداوند متعال که ما را به واسطه‌ی شناخت و دوستی آن‌ها آبرو و عزت بخشید.

ایام، ایام میلاد نمونه‌ی بارز فضائل خاندان اهل‌بیت، بانوی بزرگوار و مکرم اسلام، حضرت زینب کبری (س) است که شجاعت و اطاعت در مقام بندگی و پیروی از ولایت و امامت، شاخصه‌ی بارزشان بود و ایشان مجری به دستورات قرآن و ظلم ستیز و کوبنده‌ی باطل و پرچم‌دار حق بودند.

تولد وجود مبارکشان را جشن می‌گیریم، وجودی که مظلوم ماند و در اثر عدم شناخت شیعه، شخصیتی غیر از واقعیت مقام و منزلت و عملکردشان در ذهن‌ها جا گرفت و روایت‌های کاذبی که نقل مجالس شیعه در حال حاضر است، مغایر با شأن و مقام ایشان است به‌طوری‌که نقش مؤثر و جهادگرانه و همراهانه‌ی ایشان با امام

حسین (ع) در نهضت کربلا را علاقه و ارتباط خواهر و برادری، مثل احساس مردم عادی تلقی می‌کنند درحالی‌که ایمان و استواری در اوج عشق و بندگی خداوند و اطاعت و یاری ولایت و امامت ایشان را نادیده گرفته‌اند و از بازگو کردن هیچ روایت کاذبی در این مورد خودداری نمی‌کنند. یک نمونه از این روایات که در مجلس میلاد ایشان می‌گویند این است که: حضرت زینب (س) بعد از تولد، در آغوش جد بزرگوارشان پیامبر (ص) و پدرشان امیر مؤمنان (ع) و مادرشان حضرت فاطمه‌ی زهرا (س)، بی‌قراری و گریه می‌کردند ولی در آغوش برادرشان امام حسین (ع) آرام شدند. باید از آنان پرسید: این چه دروغی است که کودکی توانایی شناخت برادر خود را دارد اما جدش پیامبر اسلام که رحمت عالمین است و پدرش امیر مؤمنان، ولی آدم و خاتم و مادرش سرور عالمیان حضرت زهرا (س) را نشناسد و در چنین آغوش‌های بی‌نظیر و گرمی، بی‌تابی کند؟ باعث تأسف است که تخریب شیعه به وسیله‌ی خود شیعه کارسازتر از تخریبی بوده که دشمنان شیعه انجام داده‌اند.

بیاید در این روز مبارک از خداوند کریم بخواهیم در ظهور دولت حقه‌ی امام زمان (عج) تعجیل بفرماید تا از زبان مقدسشان مقامات حقیقی اهل‌بیت، مخصوصاً حضرت زینب (س) را درک کنیم.

در رابطه با گوشه‌ای از بزرگی و رسالت و ایمان و مقام والای حضرت زینب کبری (س) روایتی از زبان خودشان بیان می‌کنیم که همگان بینند عشق و ایمان و وفاداری و بندگی در تمام اهل‌بیت و خاندان پیامبر چگونه معنا می‌شود.

در مدینه، در آغاز حرکت کاروان کربلا، عبدالله پسر محمد حنفیه که یکی از پسران امیر مؤمنان بود، نوجوانی ۱۸ ساله بود، از پدرش ماجرای مسافران را شنیده و قبل از همه در محل حاضر شده بود که با کاروان امام حسین (ع) همراه شود ولی امام حسین (ع) دستی بر سرش کشید و فرمود: قاسم به‌جای تو می‌آید، تو پیش پدرت بمان و منتظر فرمان باش. او با اشکی که به‌جای زبانش بود به‌طرف مزار پیامبر دوید و مرتباً نام امیر مؤمنان (ع) را تکرار می‌کرد که از ظلمی آشکار و فسادِ جان‌سوز زمانه طاقتش تمام شده و اکنون که شمشیر حق را برداشته، مانعی نمی‌گذارد که برود.

درحالی که جانش با کاروان می‌رفت، در مدینه ماند و وقتی حضرت زینب (س) ماجرای کربلا را فاش کرد، عبدالله به سختی بیمار شد و در بستر مرگ قرار گرفت. زینب (س) بر بالینش رفت و فرمود: عمه قولی به تو می‌دهد که با شنیدن آن باید از بستر برخیزی و سپس فرمود: عبدالله، مادرم حضرت زهرا (س) در داستان‌هایی که شب‌ها برایمان می‌فرمود، داستان رنج‌های جاهلیت را پس از پیامبر، سخت‌ترین رنج‌ها نام می‌برد، دست را بر گیسوان من می‌گذاشت و با تبسمی می‌فرمود: هر خانه‌ای دری دارد که آن خانه را محافظت می‌کند و شما، در خانه‌ی قرآن کریم هستید، از کتاب الهی محافظت کنید و آیاتش را همچون هوایی فرض کنید که به آن محتاج هستید پس وقتی دیگر هوایی برای نفس کشیدن باقی نمی‌ماند که در آن خانه نمایی زیبا و درونی تاریک داشته باشد، ما همواره از فرمانش محافظت کردیم. پس غمگین نباش، تو نگهبان قرآن کریمی، برخیز و به مادرت زهرا (س) قول بده که به فرمانش عمل می‌کنی و به دیدارش، رنج‌ها را به فراموشی می‌سپاری.

بله این است عشق و ایمان و بندگی پروردگار که خاندان پیامبر بر خود وظیفه فرض می‌کردند و چه زیبا به این وظیفه عمل نمودند.

حال دست به دعا بر می‌داریم که بار الها، معرفت و شناخت مقام والای اهل بیت و خاندان پیامبر و پیروی از عملکرد آنان را به ما عطا فرما.

بار الها دنیا در کفر و جنایت و نفاق می‌سوزد و منافقین و ظالمین هر روز مکر و حيله و جنایت در حق مردم می‌کنند پس خداوندا در ظهور عدالت منجی عالم بشریت تعجیل بفرما.

اللهم عجل لوليک الفرج